تحفۂ اسیرانِ بے نوا

مسائل تعبية

Copyright © King Saud University

جامعة الرياض

٢٣٥٦
مجموع فتاوى ابن باز
الرقم
اسم الكتاب
اسم المؤلف
تاريخ النسخ
عدد الأوراق
القياس
ملاحظات

مكتبة جامعة الرياض — قسم المخطوطات
اسم الكتاب مجموع فتاوى ابن باز الرقم ٢٣٥٦
اسم المؤلف عبد العزيز بن عبد الله بن باز
تاريخ النسخ القرن الرابع عشر الهجري
عدد الأوراق ٤٥ القياس ١٤×١٨ سم
ملاحظات خط إملائي ١٦ سم

رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین و
الصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله واصحابه
اجمعین بدانکه اسعدك الله تعالی فی الدارین
که در کتاب فقه مذکور است هر که فرائض نماز نداند نماز
او باطل و فاسد شود و کنه کار گردد پس بر هر مردم لازم
و فرض است که فرایض نماز بداند و باید دانست که
هر چه فرض است و هر چه واجب است دانستن آن نیز
فرض و واجب است و هر چه سنت است دانستن آن
نیز سنت و هر چه مستحب است دانستن آن نیز مستحب

ازین باعث درین رساله چند مسایل ضروری آورده
مسمی بمبیرات الاسلام کرده شد و فرایض و ضو و سنن
آن و فرایض غسل و سنن آن و غسل فرض و غسل
واجب و غسل سنت و شروط تیمم و بیان کیفیت آن
و فرایض نماز و واجبات و سنن آن و مستحبات
و محرمات و مکروهات و مفسدات نماز و بیان روزه
و شروط آن و فرایض حج و واجب و سنن و آداب
آن بطریق اختصار از کتب معتبر مذکور خواهد شد انشا
الله تعالی تا مبتدیان را آسان شود و حق سبحانه تعالی
توفیق دهد دانستن احکام آن و عمل کردن بارکان
آن بحرمت النبی آخر الزمان **باب اول** در بیان صفت
ایمان **فصل اول** در بیان بنای مسلمانی و شرح صفت

ایمان

ایمان **سوال** اگر ترا پرسند خدا را میشناسی **جواب** بگو آری شناسم
سوال اگر ترا پرسند چگونه شناسی بگو بی مثل و بی مانند
او را در ملکش کسی شریک نیست و آفریننده و میراننده
همه خلق اوست **سوال** اگر ترا پرسند که تو مسلمانی بگو الحمد لله
جواب بگو الحمد لله اگر ترا پرسند الحمد لله چه معنی دارد بگو شکر و
سپاس مر خدای عزوجل اگر ترا پرسند که تو از کی مسلمان
شده جواب بگو از روز میثاق که خدا تعالی گفت
اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ یعنی هستم من پروردگار شما جمله
ذریات جواب دادند قَالُوا بَلٰی یعنی هستی تو پروردگار
ما **سوال** اگر ترا پرسند روز میثاق چیست بگو چون خدا
تعالی مهتر آدم علیه السلام را بیافرید و مهتر جبرئیل را فرمان
داد که تا بر خویش بر پشت آدم علیه السلام فرود آرد جبرئیل

علیه السلام فرود آورد و بقدرت خدا تعالی جمله ذریات
بمثل ذرهٔ آفتاب پیدا شدند فرمان شد که مرا سجده
کنید همه ذریات از مشرق تا به مغرب چهار صف زدند
فرمان خدا تعالی رسید اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ یعنی هستم من پروردگار
شما جمله ذریات جواب دادند قالو بلی یعنی هستی
تو پروردگار ما آن روز را روز میثاق گویند پس که
از روز میثاق منکر شود کافر گردد نعوذ بالله مثلا زیرا که
بحکم آیته قران ثابت شده است چنانچه خدا تعالی فرموده است
وَاِذْ اَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِیْ اٰدَمَ مِنْ ظُهُوْرِهِمْ
ذُرِّیَّتَهُمْ تا آخر آیه همچنین در تمهید ابو شکر سلمین
رحمة الله علیه آورده است سوال اگر ترا پرسند که فرزندان آدم علیه السلام

علیه السلام بعضی کافر اند و بعضی مومن از کجاست جواب
بگو در کفایت الاسلام آمده است که چون در روز میثاق
جمله ذریات اقرار کرد فرمان شد که مرا سجده کنید بعضی سجده
کردند و بعضی سجده نکردند آنکه طایفه اول سجده کرده بودند
دیگران را دیدند که سجده نکردند شکرانه آن نیز دوم بار
سجده کردند و طایفه دوم سجده کرده پشیمان شدند که ما
چرا سجده کردیم دوم بار سجده نکردند طایفه سیوم که
سجده اول نکردند پشیمان شدند که چرا سجده نکردیم
بعد سجده کردند و طایفه چهارم نه اول سجده کردند
نه آخر اکنون بیان این هر چهار طایفه است آن
کسانیکه اول سجده کردند و دوم بار نیز سجده کردند
ایشان مسلمان بزاییند و از دنیا مسلمان میروند

طایفه دوم که اول سجده کردند و آخر پشیمان شده دوم بار
سجده نکردند ایشان آنکسان اند که مسلمان بزایند
و احکام دین و اسلام و صفت ایمان ندانند و کلماتی
کفر گویند و کنایات کفر کنند و از جهل خود را گناه
ندانند و بشومی آن از دنیا کافر روند طایفه سیوم
آنکسان که اول سجده نکردند و آخر سجده کردند ایشان
از کافران بزایند بعد مسلمان شوند و از دنیا مسلمان
روند طایفه چهارم نه اول سجده کردند نه آخر سجده
کردند ایشان از کافران بزایند و کافر بمیرند اگر ترا
پرسند که اسلام چیست بگو که اسلام هُوَ الْاِنْقِیَادُ
لِاَمْرِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَالْاِجْتِنَابُ عَنِ النَّوَاهِیْ
یعنی چنین باشد که اسلام گردن نهادن بفرمان های

خدا تعالی و کردن نه نهادن بآنچه که نهی کرده است اگر ترا پرسند
که معرفت چیست جواب بگو شناختن خدا تعالی است
به بیگانگی و تنهائی از ازل تا ابد بیچون و بیچگونه و بی
مثل و مانند است زنده است نه بجان و بیننده است
نه بچشم و شنونده است نه بگوش و داننده است نه
بعلم و گویا است نه بزبان چون طاعت و عبادت
کنی چنان دانی که گویا او را می بینی اگر تو او را نمی بینی
او ترا می بیند اگر ترا پرسند توحید چیست جواب
بگو توحید خدای را بزبان یکی گفتن و بدل یکی دانستن
اگر ترا پرسند احسان چیست جواب بگو دانستن
تعظیم فرمان خدا تعالی و شفقت کردن بر خلق خدا
تعالی اگر ترا پرسند بنای مسلمانی بر چند چیز است

جواب بگو پنج چیز است اول کلمه شهادت گفتن
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا رسول الله دوم پنج وقت نماز گذاردن
سیوم روزه ماه رمضان داشتن چهارم زکوة مال دادن
پنجم حج کردن خانه کعبه اگر توانای آن باشد فصل دوم
در بیان ارکان و احکام ایمان سوال اگر ترا سند اقرار کردن
ایمان چیست جواب بگو گفتن کلمه طیب لا اله الا
الله محمدا رسول الله یعنی نیست کسی معبود مگر الله تعالی
که او یکی است و بی چگونه و بی شبه و بی نمونه است و پیغمبر او برحق
است اگر ترا پرسند که ارکان ایمان چند است جواب بگو
دو است یعنی اقرار بالسان و تصدیق بالقلب
یعنی اقرار کردن است بزبان و استوار داشتن یعنی ان بدل

که خدا تعالی یکی است و محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم برحق پرکه بدین
طریق اقرار کند و بدل راست داند او را مومن گویند
اگر ترا پرسند که ایمان بر چند نوع است جواب بگو بر دو نوع است
یکی ایمان مجمل دوم ایمان مفصل و ایمان مجمل آنست
اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ كَمَا هُوَ بِاَسْمَائِهٖ وَ صِفَاتِهٖ وَقَبِلْتُ
عَلٰى جَمِيْعِ اَحْكَامِهٖ یعنی ایمان آوردم بذات پاک خدای
تعالی چنانچه اوست بی چون و بی چگونه و با همه صفتهای او و
قبول کردم همه حکمهای او یعنی قبول کردم دین مسلمانی را و انچه
در وی است و ایمان مفصل آنست در محیط آورده که هفت
رکن است چنانچه گوی اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَ
وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْقَدْرِ خَيْرِهٖ وَ
شَرِّهٖ مِنَ اللّٰهِ تَعَالٰى وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ

جامعة الملك سعود
مركز ايداع المعلومات

یعنی ایمان آوردم بذات خدا تعالی که آفریننده همه چیز است
و یکی است و او را هیچ شریک نیست و بیچون بود و همه صفات
او برحق است و فرشتگان وی فرمان بردار وی اند و کتاب
های وی کلام او ست و فرستاده او رسولان وی که همه بندگان
خاص اند بسوی بندگان دیگر برای تعلیم توحید و صفتهای او و
احکام دین مسلمانی اول پیغمبر حضرت آدم علیه السلام و آخر ایشان
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و ایمان آوردم بروز قیامت
و بر تقدیر نیکی و بدی که هر دو از خدا تعالی ست و لیکن از
نیکی راضی ست و از بدی راضی نیست و زنده کردن پس از
مرگ بزندگانی جاودانی سوال اگر ترا پرسند واجبات ایمان
چند ست جواب یکو دوازده ست اول با علما صحبت داشتن
دویم از فاسقان دور بودن سیوم به تشنگان آب دادن

چهارم بیمار را پرسیدن پنجم دست رحمت بر سر یتیمان مالیدن
و بآنها چیزی دادن و خوراندن ششم فقیر را شفقت کردن که بالا
تر از سخاوت کاری نیست هفتم مرده را غسل دادن هشتم دو جنگی را
صلح دادن نهم سنگ ریزه و خارها از راه برداشتن دهم نجاست که بر سر
راه باشد پوشیدن زیرا که روندگان از بوی آن ملالت بردل باشد یازدهم
طواف زیارت کعبه کردن دوازدهم اهل و عیال و غلامان خود را ایمان
آموختن باید که از شریعت نماز و روزه و زکوة و حج و غسل و الفاظ طلاق
و کلمات کفر و از گناه کبیره آگاه کند و گوید چهار کس ناخوش و مغرب خوانند شمار
اول پادشاه دویم برادر سیوم شوهر چهارم پسر اگر این چهار کس علم دینی را عورتان را
نیاموزند عورتان را روا نیست که بی اذن شوهر بجهت تحصیل علم دین و اسلام
مانند پیرزنان بر سر چادر کشیده بدر رفته از پیشه کاران علم بیاموزند
و در تحفة الفقه نوشته که عورتان را در شهر جا رخصت است یکی عورت

مسلمان فوت شده باشد دویم برائی اموختن علم دین سیویم در محله که
نکاح او با ایشان حرام است چهارم بکسی که قرض داشته باشد بی اذن او نمیدهد
پنجم کسیرا قرض دادنی دارد برائی آدائی او ششم بخانهٔ مادر و پدر مفتم بخانهٔ
داعی رفتن عورت را در شریعت رخصت است اثقل من ترغیب الصلوات است
سوال اگر ترا پرسند احکام ایمان چند است جواب بگو هفت است اول هر که ایمان آرد
او را امان از کشتن دهند دوم مسلمان را اسیر نکنند سیم مال او بناحق نگیرند
چهارم او را بی حجت شرعی نرنجانند پنجم گمان بد بر و نبرند این همه حکم
تعلق بآخرت دارد اول هر که ایمان آرد از عذاب دوزخ خلاصی یابد دویم
عاقبت جائی او بهشت باشد اگر ترا پرسند شریط ایمان چند است جواب
بگو هفت است اول ایمان بغیب آوردن دویم علم غیب خاص خدا تعالی را
دانستن سیویم باختیار خود ایمان آوردن چهارم حلال های خدا را حلال
دانستن پنجم حرام های را حرام دانستن ششم از عذاب های خدا تعالی ترسیدن

مانعم

هفتم برحمت خدا تعالی امیدوار بودن اگر ترا پرسند شرط وجوب ایمان
چند است جواب بگو دو است اول عقل دوم بلوغ اگر ترا پرسند که واجبات
شریعت چند است بگو هفت است اول صدقه فطر دادن بر صاحب نصاب
واجب است از گندم و یا از مویز آرد کنند نصف صاع اگر خرما باشد یک
صاع دویم قربانی و آن از سری یک گوسفند و میان هفت کس یک گاو
یا یک شتر که او گوشت بریده دست شکسته و چشم رفته نباشد اگر
خصی بعیب جایز است سیم زن را خدمت شوهر کردن چهارم فرزند
خدمت مادر و پدر کردن پنجم نماز وتر گذاردن ششم طواف عمره
کردن هفتم نفقه ذوی الارحام دادن اگر ترا پرسند که سنت شریعت
چند است جواب بگو هفت است اول ختنه فرزند کردن دویم مویی

۲
ششم مویها بینی کرفتن

لب کرفتن سیم موی سر تراشیدن یا موئی تمام سر داشتن چهارم موئی
بغل کرفتن پنجم ناخن ها دست و پا کرفتن هفتم موی زیر ناف کرفتن

اگر ترا پرسند که احکام شریعت چند ست بگو که هشت ست اول
فرض دوم واجب سیوم سنت چهارم مستحب پنجم حلال ششم حرام
هفتم مباح هشتم مکروه پس مسلمان را لازم است که این احکام و ارکان
یاد داشتن و بران عمل نمودن و بالله التوفیق **باب دویم**
فی ذکر الماء و درین باب سه فصل است **فصل اول** در بیان
آب مسئله وضو کردن جایز ست بآب باران و آب چشمه و آب
دریا و آبیکه متغیر نشده باشد یک وصف او بافتادن چیزی
و وصف آب سه اند رنگ و مزه و بوی و آن آب که یک جا
استاده متغیر شده باشد ازان آب وضو و غسل جایز
ست و آن آب که از درخت و یا از میوه برآمده باشد
خود بخود و یا افشرده باشد ازان آب وضو کردن جایز
نیست مسئله بر آن آب که غالب شده باشد یک جنس

یا دروه نجاست افتاده باشد و آن آب کم از ده در ده باشد و ضو جایز
نیست و ده در ده ان را گویند که ده گز عرض و ده گز طول باشد
و عمق آن یک بالش باشد و الا نه این قدر باشد که از پر دو دست
اگر آب بگیرند زمین تحت او نمایان نشود و همان آب نجاست
افتد پلید نشود چرا که حکم آن آب حکم آب جاریست و حکم
آب روان آنست اگر خس در و افتد ان را ببرد و ضو کردن بآن
آب جایز ست تا که اثر نجاست در و ظاهر نباشد **فصل دوم**
در بیان مردن جانور در آب مسئله مردن آن جانور در آب که در و خونی نباشد
چنانچه پشه و مگس و زنبور و عقرب و سرطان و غیره این چنین
جانور اگر بمیرد آب پلید نشود مسئله آبیکه استعمال ست باستعمال
یعنی کسی ازان آب وضو و یا غسل کرده است برای رفع حدث
و یا رفع خبابت یا برای قربت یا بغیر احتیاج غسل کرده باشد

اگر ان آب مستعمل یک جا جمع شده است آن آب پاک است و
پاک کننده نیست یعنی از ان آب وضو و غسل جایز نیست اگر نجاست
بدن و نجاست جامه از و پاک کند پاک نمیشود مسئله اگر نجاست
در چاه افتد همه آب بکشند و اگر نجاست کبوتر در چاه افتد
آب پلید نشود مسئله یک پشک گوسفند یا شتر یا اسپ اگر افتاده
باشد آب نجس نشود اگر موش و یا یک جانور برابر او در چاه
مرده باشد چهل دلو آب بکشند مسئله اگر گوسفند یا یک جانور
برابر او و یا یک جانور خورد و یا کلان در چاه مرده اما سیده
باشد و یا کداخته ریزه ریزه شده باشد تمام آب چاه بکشند
اگر چاه چشمه دار باشد و خالی کردن نمیتوانند دو لیت دلو
آب بکشند آب پاک شود و لیکن شرط آنست اول
جانور بیرون آرد بعده آب بکشند و دلو نه خورد باشد نه بزرگ

که موافق رواج شهر باشد اگر در چاه جانور افتاده است و ریزه
ریزه شده و معلوم نیست که کدام وقت افتاده است نماز
سه شبانه روز اعاده کند و اگر اما سیده باشد و ریزه ریزه
نشده نماز یک شبانه روز اعاده کند فصل سیوم در بیان
پسخوردهٔ جانور پسخورده آدمی و اسپ و هر جانور یکه گوشت
او میخورند پاک است مسئله پس خورده سگ و خنزیر و هر جانور
یکه درنده است مثل شیر و ببر و خرس وغیره نجس است مسئله
پسخورده جانور یکه در سوراخ میباشد چون بلغوک و کبر و مار و موش
و عقرب و جانور پرنده که مثل باز و هری شکره وغیره شکاره
است مسئله پس خورده خر و بغل مشکوک است اگر آب دیگر
نیابد از آب مشکوک وضو کرده تیمم کند یا تیمم کرده وضو کند
جایز است مسئله عرق هر جانور حکم پس خورده او دارد

باب سیوم در بیان فرایض و وضو که در و چهار فصل است فصل
اول در بیان شستن روی در وضو از رستنگاه موی پیشانی
تا آرنج زیر زنخ و از نرمه گوش تا نرمه گوش دیگر دوم شستن هر دو دست
تا آرنج سیوم مسح ربع سر و ریش اگر انبوه باشد چهارم شستن هر دو
پای تا شتالنگ فرض است و اگر یکی از اینها فوت شود
وضوی او باطل شود فصل دوم در بیان سنت های وضو ده چیز است
اول استنجا کردن دوم شستن دو دست تا بند دست سیوم
گفتن بسم الله العظیم و الحمد لله علی دین الاسلام الا سلام
حق و الکفر باطل چهارم مسواک کردن پنجم آب در دهن کردن
ششم آب در بینی کردن هفتم خلال انگشتان دست و پا کردن
هشتم بر عضوی سه سه بار شستن نهم خلال ریش کردن دهم نیت
کردن اگر یکی از این ترک کند وضو تباه نشود فصل سیوم در بیان مستحبات

لیکن

مستحبات در وضو شش چیز است اول نیت وضو کردن دوم
از طرف راست شروع کردن سیوم بترتیب وضو ساختن
چهارم هر عضو را پیاپی شستن پنجم مسح تمام سر کردن ششم مسح
گردن کردن فصل سیوم در بیان شکننده وضو پنجست چیز است
و هفت و پنج از ان از پیش است اول بول دوم وزی سیوم مذی
چهارم آب منی بی شهوت و چندیگ پنجم سنگ پزه و سه از ان
از پیش است اول غایط دوم باد سیوم کرم و سه از ان از همه
بدن است اول خون روان دوم ریم روان سیوم زرد آب روان چهارم
قی پر بیحی دهن پنجم خواب تکیه زده ششم بی هوشی هفتم
دیوانگی هشتم مستی نهم خنده قهقه در نماز یکه رکوع و سجود
دارد دهم مباشرت فاحشه باب چهارم در بیان غسل در این باب پنج
فصل است فصل اول در فرایض غسل در غسل سه فرض است

اول آب در دهن کردن یعنی غرغره نمودن دویم آب در بینی
کردن سیوم تمام اندام شستن اگر یکی از اینها فوت شود غسل او
باطل گردد اگر عضوی خشک باقی ماند پس آن عضو را بشوید
وغسل باز نگرداند فصل دویم در بیان سنت های غسل پنج چیز
است اول هر دو دست شستن دویم شرم گاه شستن سیوم نجاست
از بدن دور کردن چهارم وضو کردن پنجم سه بار آب بر بدن ریختن
اگر یکی از فوت شود خلل نیست فصل سیوم در بیان فرض شدن غسل
از پنج چیز فرض میشود اول وقتیکه آب منی بیرون آید به شهوت
و جهندگی در حالت بیداری یا در خواب دویم وطی کند باز ن
چنانچه غایب شود سر ذکر در قبل یا در دبر بر هر دو غسل فرض
شود سیوم وقتیکه زن پاک شود از حیض چهارم از نفاس
اگر در خواب احتلام شد و تری ندید بر آن غسل واجب نشود و

اگر وطی از حیوان یا از مرده نمود و انزال نشد غسل بر ان واجب
نشود و آن مرد را تعذیر باید کرد فصل در بیان غسل واجب دوست
اول میت را غسل دادن دوم کافر یکه در حالت جنب مسلمان
شود غسل دادن اورا واجب است اگر جنب بنا شد غسل دادن
اورا مستحب فصل در بیان غسل سنت و آن بر پنج نوع است
اول غسل جمعه دوم غسل عید النظر سیوم غسل عید الضحی
چهارم غسل برای احرام بستن پنجم غسل روز عرفه باب پنجم
در بیان تیمم و شروط آن در تیمم ۳ چیز فرض است یکی نیت
کردن دویم بیک ضرب مسح روی کند سیوم به ضرب دیگر
مسح بدو دست کند تا آرنج و اگر در دست انگشتری باشد
بجنباند یا بیرون آرد و هر دو ضرب بر شی پاک از جنس زمین
باشد چنانچه خاک و ریگ و سنگ و گچ و زرنیخ و سرمه

باب ششم در بیان نماز در این باب چند فصل است فصل اول در بیان

فرایض نماز چهارده چیز مشهور اند و هفت بیرون نماز است

اول اندام پاک دوم جامه پاک سیوم جای پاک چهارم ستر

عورت مردان را از زیر ناف تا زیر زانو و زن جمله را بجز

تن عورت است مگر روی و هر دو کف دست و هر دو قدم پنجم

شناختن وقت ششم شناختن قبله هفتم نیت کردن

هر وقت نماز کردن و هفت اندرون نماز است یکی تکبیر تحریمه

گفتن یعنی شروع کردن نماز بلفظ که دلالت کند بر بزرگی الله تعالی

مثل الله اکبر یا الله اجل یا الله اعظم فاما بلفظ الله اکبر شروع نمودن

واجب دوم قیام سیوم قرات چهارم رکوع پنجم قاعده آخر مقدار

تشهد ششم سجود ششم قاعده آخر مقدار تشهد هفتم بیرون آمدن

از نماز بفعل مصلی فرض است نزد امام اعظم رحمه الله فصل دوم

در بیان واجبات نماز دوازده است اول فاتحه خواندن دوم ضم سوره

کردن سیوم تعیین کردن قرات در دو رکعت اول فرض چهارم رعایت

ترتیب یعنی هر دو سجده در یک رکعت کند اگر در رکعت اول یک سجده کرد

و در رکعت دوم سه سجده کند نماز فاسد نشود و سهو لازم شود

پنجم قعده اولی ششم خواندن تشهد در هر دو قعده هفتم لفظ سلام

هشتم دعا قنوت خواندن نهم تکبیرات عیدین دهم جهر خواندن

یازدهم سر یه خواندن دوازدهم تعدیل ارکان یعنی اندکی

در رکوع و سجود مقدار یک تسبیح فصل سیوم در بیان سنت های

نماز بیست و هشت چیز است هفت در قیام و هفت در رکوع

و هفت در سجده و هفت در قعده است و آن هفت

که در قیام اند آنست اول هر دست برداشتن برای تکبیر

تحریمه مردان تا گوشش و زنان تا کتف دوم دست راست

بر دست چپ نهادن مردان زیر ناف و زنان بر سینه سیوم
نظر در جای سجده داشتن چهارم ثنا خواندن پنجم تعوذ خواندن
ششم تسمیه گفتن هفتم آمین گفتن و هفت در رکوع است
اول الله اکبر گفتن برای رکوع دوم هر دو چشم بر پشت
پای داشتن سیوم هر دو زانو بدست گرفتن چهارم سه
بار تسبیح گفتن یعنی سبحان ربی العظیم پنجم سمع الله لمن حمده
گفتن امام را و مقتدی را ربنا لک الحمد گفتن و منفرد هر دو جمع
کردن هفتم در قومه ارام گرفتن و هفت سنت که در سجده است
اول تکبیر گفتن دوم در سجده گرفتن سیوم روی میان دو کف دست
نهادن چهارم سر انگشتان دست و پای طرف قبله کردن پنجم سه بار
تسبیح گفتن سبحان ربی الاعلی ششم بر پشت بینی نگاه کردن
هفتم در میان دو سجده قرار گرفتن و هفت سنت که در قعده است
بر هفت عضو سجده کردن

دوم در هر دو سجده ارام گرفتن

اول

اول بر پای چپ نشستن مردان را و استاده کردن پای راست
را و زنان بر سرین نشستن هر دو پای جانب راست بیرون آورده
دوم هر دست بر رانها نهادن سیوم انگشتان دست و پای طرف
قبله کردن چهارم در کنار خود دیدن پنجم درود خواندن ششم

۲ هفتم بوقت سلام جانب کتف دیدن ۳

دعای ماثوره خواندن فصل چهارم در بیان مستحبات نماز چهارده است ۱

اول بر آوردن دو دست از آستین در وقت تحریمه دوم شروع
کردن نماز نزد گفتن مؤذن قد قامت الصلوة گوید سیوم
در دو رکعت آخر فاتحه خواندن چهارم دفع کردن فازه پنجم
دفع کردن سرفه بقدر امکان ششم سر را با سرین برابر دارد
چنانچه اگر قدح آب پر کرده بر پشت دارد قرار گیرد هفتم در
سجده خاک بر پیشانی رسد یا بر روی خود آمد مسح نکند
هشتم در میان دو قدم چهار انگشت فرق گذاشتن نهم روی

۱۲

کرد ایستادن نزد سلام دهم تسبیحات زیادی از سه بار کمتر نباید
طاق یازدهم در سجود و رکوع دور دارد دست از بغل سیزدهم
ران را به شکم نه چسباند چهاردهم پیش از نماز توجیه خواندن
فصل در بیان محرمات نماز در محیط پانزده است اول بلند
خوندن تسمیه دوم بلند گفتن آمین در نماز سیوم التفات کردن
براست و چپ چهارم نظر کردن سوی آسمان پنجم تکیه کردن به ستون
در نماز فرض یا بدیوار بغیر عذر ششم برداشتن انگشتان پای
از زمین در رکوع و سجود هفتم نشستن در نماز بر پاشنه هشتم
بازی کردن بجامه یا بدن اگر یک بار یا دو بار کند و اگر سه بار
کند نماز باطل شود نهم یک جانب سلام دادن دهم خواندن
قنوت در غیر وتر یازدهم ترک کردن واجب عمدا دوازدهم
اشاره کردن با انگشت شهادت بعمل کثیر سیزدهم برداشتن

دو دست در جایگه نامشروع است چهاردهم زیادی کردن در تکبیر
یا در ثنا یا در تسبیحات پانزدهم زیادی کردن تشهد بر مقدار
واجب فصل در بیان مکروهات نماز سی و دو است
اول مکرر گفتن تکبیر دوم شمردن آیت ها بانگشتان سیوم
نهادن دست بر تهی گاه چهارم فرو گذاشتن دو طرف جادر
بر دوش پنجم سر فه کردن بغیر عذر ششم تف کردن
در نماز هفتم اخ اخ کردن در نماز هشتم تنحنح کردن در
نماز نهم سجده کردن بر پیچ دستار چنانچه پیشانی بر زمین
نرسد دهم در دهن درم یا دینار گرفتن که قرات را
مانع نشود یازدهم فرو بردن چیزی که بدندان مانده است اگر
کم از نخود باشد دوازدهم ترک کردن سنت چهاردهم سیزدهم
تمام کردن قرات در رکوع چهاردهم نهادن دست بر زمین

پیش از زانو در سجده بغیر عذر یازدهم نشستن در نماز مانند
سگ شانزدهم کف ثوب یعنی جامه از زانو بالا کشیدن
هفدهم شکستن انگشتان دست و پای هجدهم بر سر
انگشتان استادن نوزدهم بر یک پا استادن بیستم
تعجیل خواندن قرات بیست و یکم خوشبوی بوئیدن در
نماز بیست و دویم تعیین کردن سوره در نماز بیست و سیوم
بسم الله خواندن بر سوره غیر فاتحه بیست و چهارم برداشتن
کودک در نماز بیست و پنجم سلام کردن بدست بیست و
ششم مربع نشستن بیست و هفتم پستان موسر برداشتن
بیست و هشتم چشم بستن در نماز بیست و نهم استادن
امام تنها در محراب سی ام پوشیدن جامه که در و صورت
نمایان شود سی و یکم پیش تصویر نماز گذاردن سی و دویم

نصویر

تصویر یا بر سر مصلی باشد یا جانب راست یا چپ نماز گذاردن فصل
در بیان مفسدات نماز که بیست و پنج است اول سخن گفتن بقصد
یا بفراموشی دویم بقصد سلام کردن سیوم جواب سلام دادن چهارم
چیزی خوردن پنجم ناله کردن ششم آه کردن هفتم اوه کردن
هشتم گریستن باواز از درد مگر آنکه از ترس خدا باشد نماز فاسد
نشود نهم تنحنح کردن اگر حرف پیدا شود دهم جواب عطسه
دادن یازدهم جواب خبر نیک دادن دوازدهم از قبلی قرات
از غیر مقتدی خواندن سیزدهم غیر امام خود را فتح کردن چهاردهم
قران غلط خواندن چنانچه معنی متغیر شود پانزدهم بر جای نجس
سجده کردن شانزدهم طلب کردن چیزی از خدا تعالی چنانچه
از آدمیان میطلبند هفدهم عمل کثیر کردن هجدهم خنده و قهقه
کردن نوزدهم روی از قبله گردانیدن بیستم قرت قران دیده

16

خواندن سیت و یکم برابر زن استاده نماز گذاردن سیت و دویم
در سجده هر دو پای برداشتن سیت و سیوم پیش از امام استون
سیت و چهارم یاد آمدن فایته در حالت وقتیه گذاردن اگر
صاحب ترتیب باشد باب ہفتم در بیان سجده سهو واجب میشود
سجده سهو بسبب پنج چیز اول تقدیم رکن دوم چنانچه
رکوع پیش از قرات کرد دویم تاخیر رکن چنانچه در قعده
اول زیاده بر التحیات خواند سیوم تکرار رکن رکوع یا سجده
دو بار کرد چهارم ترک واجب پنجم تغییر واجب چنانچه آهسته
خواند در محل بلند خواندن و بلند خواند در محل آهسته خوانده
باب ہشتم در بیان روزه بدانکه یک ماه روزه داشتن فرض است
بر همه مسلمانان از مردان و زنان چون عاقل و بالغ باشند و پاک
از حیض و نفاس و آن ماه رمضان است قال الله تعالی

یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین
من قبلکم لعلکم تتقون یعنی ای آن کسانیکه ایمان
آورده اید نبشته شد یعنی فرض گردانیده شد بر شما روزه
داشتن چنانچه بر پیشینیان بود دو روزه ماه رمضان بر شما فرض
گشته خواه ۳۰ روزه باشد خواه سیت و نه روزه باشد دو روزه
باز ماندن است از خوردن و آشامیدن و جماع کردن از دمیدن
صبح صادق تا غروب آفتاب با نیت روزه فرض باشد یا نفل
مسئله اگر روزه دار بفراموش چیزی خورد یا آشامید یا جماع کرد روزه
او نشکند اگر محتلم شد یا احتجامت کرفت و یا قی کرد و یا دوغن
در سر انداخت یا سرمه در چشم کشید و یا در حلق گرد یا مگس
یا دود یا باد در حلق رفت روزه تباه نشود و هر که عمدا قی کرد
روزه او بشکند مسئله روزه دار بقصد چیزی خورد و آشامید

یا جماع کرد روزه تباه شود و قضا با کفارت واجب آید و کفارت
روزه آنست که یک بنده آزاد کند یا دو ماه متواتر روزه
دارد یا شصت مسکین را طعام دهد مسئله افطار کردن چند
طایفه را مباح است یکی مسافر دوم زن حامله سیوم زن شیر
دهنده طفل را چهارم بیمار که از روزه داشتن بیماری او زیاده
میشود پنجم زن حایض ششم زن صاحب نفاس و هر که
بدین صفت افطار کرده باشد بعد از ماه رمضان قضا کند واجب
است باب پنجم در بیان زکوت بر صاحب نصاب عاقل و
بالغ و حر سوای خرج ضروری و قرض از دو صد درم نقره
پنج درم دادن بعد یک سال کامل فرض است و از قسم طلا
از بیست دینار نیم دینار زکوة بدهد و زکوة فرض نیست
بر کافر و بنده و مدبر و ام ولد و مکاتب و کودک و دیوانه

و دین دار مسئله اگر زیور طلا و نقره پوشیدنی یا زاید و او ند
طلا و نقره داشته باشد زکوة فرض شود مسئله اگر
اسپهای فروختنی دارد و از سر اسپ یک یک دینار دهد
و اگر نه بعد از فروختن از مبلغ آن موافق زکوة حساب
کرده بدهد باب دهم در بیان حج بدانکه حج فرض است بشرط
زاد راحله و امنیت راه بود و قرضدار نباشد و خرج اهل
و عیال داده باشد و خرج مرکب سواری و خرج خود اینقدر
داشته باشد که رفته باز آید و عورت را همراه شوهر بود
و یا پس از محرم همراه وی باشد اگر این صورتها میسر داشته
باشد در تمام عمر یک مرتبه حج فرض است فصل در بیان
فرایض حج اگر ترا پرسند که در حج چند فرض است جواب بگو که
سه ۳ فرض است اول احرام بستن دوم توقف بعرفات

کردن سیوم طواف زیارت کردن اگر ترا پرسند واجبات
حج چند است جواب بگو چهار است اول طواف کردن
دویم طواف عرفات کردن سیوم طواف صفا مروه کردن
چهارم در عرفات دویدن و سر تراشیدن و شیطان را
سنگ انداختن بدانکه چون از جبل عرفات باز آمد
هفت بار گرد کعبه گردیدن فرض است و این را طواف
رکن میگویند رکن میگویند

باب یازدهم در بیان اعتکاف اعتکاف بر چند
نوع است جواب بگو بر سه نوع است واجب و سنت
و نفل واجب آنست مسلم بر خود واجب گیرد
و سنت آنست که در عشره آخیر ماه رمضان که رسول صلی الله

اعلم

علیه وسلم بر آن مواظبت کرده است و نفل آنست که در مسجد در اید به نیت
اعتکاف و این اقسام با صوم و غیر صوم جایز است کذا فی المضمرات سوال
اعتکاف در کدام موضع جایز است جواب بگو در مسجد یکه در آن جماعت
باذان و اقامت سوال معتکف را برای کدام چیز از مسجد بیرون آمدن
شاید جواب برای حاجت انسانی و نماز جمعه کذا فی الهدایه
سوال اگر معتکف در مسجد بیع و شرا کند چگونه باشد جواب باکی نباشد
و نکالا در مسجد حاضر نکند سوال در باب سخن گفتن و ناگفتن در حق
معتکف علما چه فرموده اند جواب سخن گفتن مکروه است و سخن مستحسن
جایز بود کذا فی الذخیره بیان در احکام نکاح مرد زن خواستن
سنت است اگر شهوت غالب نیست و اگر شهوت غالب شود نکاح کردن

واجب است بحضور دو گواه مرد حر و یا یک مرد و دو زن حره که هر یک
عاقل و بالغ و مسلم بود اگرچه فاسق بود مسئله حرام است بر مرد خواستن
مادر و مادر مادر و بالاتر آن و حرام است خواستن دختر و دختر دختر و
فروتر آن و حرام است خواستن خواهر و دختر خواهر و دختر برادر
و حرام است عمه حقیقی و خاله حقیقی و حرام است مادر زن و دختر زن
که از شوهر دیگر است اگر با مادر آن دختر را وطی کرده باشد و حرام است
زن پدر و زن پسر و حرام است عورتیکه شیر خورده است و دختر آن
عورت و حرام است دو خواهر در یک نکاح مگر آنکه یک خواهر بمیرد
و یا طلاق گوید بعد عدت خواهر دویم را نکاح کند حلال باشد و
همچنین حرام است وطی کردن دو کنیز که هر دو خواهر حقیقی باشند

فاسق

خواستن کافر زن کافره را روا باشد در عدت کافری که این نوع در میان
ایشان مصطلح است مسئله اگر زن و شوهر هر دو اسلام آرند همچنان نکاح
باشند و نکاح جدید حاجت نیست مسئله اگر مردی گفت زنی را تو زن
من شدی او جواب داد زن تو شدم نکاح از وی درست نباشد اما اگر گوید
خویشتن را زن من گردانیدی جواب داد گردانیدم و مرد گفت
پذیرفتم بحضور دو گواه نکاح درست باشد مسئله اگر مردی گفت
دیگر را که دختر خویش به پسر من ارزانی داشتی جواب داد
داشتم نکاح درست نباشد مسئله اگر زنی حره عاقله و بالغه نفس
خود را بحضور دو گواه بمردی بزنی داد او قبول کرد نکاح درست
باشد اگرچه ولی رضا ندهد مسئله اگر ولی زن باکره عاقله و بالغه را رخصت

طلبید برای عقد وزن خاموش گشت یا بعد نکاح زن را خبر رسید
زن خاموش شد اجازت بود و نکاح منعقد شود مسئله نکاح
بنده بر اجازت مولی موقوف است اگر مولی اجازت دید درست شد
و اگر اجازت ندید نکاح ایشان باطل شد مسئله اقل مهر ده درم
شرعی است اگر کمتر از ده درم عقد کنند همان ده درم لازم آید
مسئله هر که را زیادت از یک زن است برابری کردن در نفقه و
برابر بودن بهر یکی واجب است و زن قدیم و جدید درین حکم یک
سان است فاما در سفر بردن شوهر مخیر است هر کرا خواهد ببرد
مگر قرعه انداختن بهتر بود که طریق رسول صلی الله علیه وسلم است

بیان احکام طلاق مسئله طلاق در شرع رها کردن زن از نکاح

است که ثابت بشرع بود مسئله طلاق بر دو نوع است یکی طلاق صریح
و طلاق صریح آن باشد که لفظ طلاق بر زبان آرد چنانچه گوید ترا طلاق
یا گوید تو طلاق گفته شدی یا گوید ترا طلاق گفتم درین صورت طلاق واقع
شود دویم طلاق رجعی که طلاق رجعی آن را گویند که اگر بغیر نکاح
درون عدت بر آن زن باز گردد روا باشد مادام که سه طلاق نگفته
است و نیز طلاقی از کنایت واقع شود و لفظ طلاق بر زبان
نیارد چنانکه گوید زن خود را عدت بنشین یا گوید تو جدائی
از من یا گوید تو بیزاری از من یا گوید جدا کردم ترا یا گوید برو
رو یا گوید شوهر دیگر بجو درین الفاظ اگر نیت طلاق دارد یک
طلاق بائن افتد و اگر نیت طلاق نداشت هیچ واقع نشود

حکم طلاق باین آنست مادام که نکاح جدید نکنند درون عدت یا
بیرون عدت درست نباشد و در طلاق رجعی بعد عدت یا
نکاح آشتی نکنند مسئله اگر مردی زن خود را سه طلاق گفت
این را طلاق ثلاثه گویند آن زن را واجب است که عدت بنشیند
بعد عدت شوهر دیگر کند مسئله اگر زن را طلاق رجعی افتاد شوهر
را روا باشد بوسه دادن و بکنار گرفتن اگرچه زن راضی نباشد
مسئله زنی گفت شوهر مرا طلاق ده شوهر گفت دادم گیرو گرده گیرو
گفت داده باد و گرده باد یک طلاق واقع شود اگر نیت طلاق
داشت و همچنین اگر گفت داده انگار و گرده انگار یک طلاق واقع
شود اگرچه نیت طلاق نداشت بیان احکام ظهار مسئله اگر مردی گفت

زن خود را تو بر من چنان هستی همچو پشت مادر من طلاق واقع نشود و کفارت
ظهار واجب آید مادام که کفارت ظهار ندهد وطی حرام باشد مسئله کفارت ظهار
آزاد کردن بنده است و اگر قدرت ندارد دو ماه پیاپی روزه دارد و اگر روزه هم نتواند داشت
شصت مسکین را طعام سیر خوراند چنانچه در کفارت روزه گفته شد بیان احکام
عنین عنین آنست که بزن صحبت کردن نتواند و یا آنکه با کامله تواند و با باکره
نتواند پس اگر مرد عنین باشد بر حاکم واجب است که مهلت یک سال دهد تا
بکرو وطی کند اگر در مهلت یک سال وطی نکند و زن راضی است بعد از آن
حاکم را واجب است که میان ایشان تفریق کند و حکم مرد خصی همچو عنین است
اما اگر مجبوب باشد یعنی سر ذکر بریده حاکم را واجب است در حال تفریق
کند و مهلت ندهد اگر زن راضی باشد بیان احکام عدت مسئله عدت بعد
طلاق و بعد موت شوهر بر زن واجب است تا اگر مردی بعد نکاح پیش از

وطی طلاق کوید عدت واجب نشود مسئله عدت حره بعد طلاق و وطی سه
حیض است یا سه ماه اگر حیض نمی بیند و اگر شوهر مرده است عدت او
چهار ماه ده روز است و عدت کنیز بعد طلاق دو حیض است و بعد وفات شوهر
عدت دو ماه و پنج روز است و عدت زن حامله بعد طلاق و یا وفات شوهر
حمل است مسئله معتده آرایش نکند و به عضو خوشبوی نمالد و سرمه نکشد
و روغن در سر نه اندازد و جامه رنگین نپوشد و از
خانه بیرون نباید مسئله اگر زنی از مرد بطلاق جدا شد و فرزند صغیر باشد اگر پسر
است تا هفت سال بر مادر باشد و اگر دختر باشد تا وقت حیض بر مادر باشد بعد از آن
پدر او را به پدر سپارند و ولد را حق پرورش نیست مگر آنکه آزاد شده

تمت تمام شد

ملک صالح
احمد

علیه وسلم بر آن مواظبت کرده است و نقل آنست که در مسجد در آید
بنیت اعتکاف و این قسم با صوم و غیر صوم جایز است کذا فی
المضمرات سوال اعتکاف در کدام موضع جایز است جواب در مسجدی که
دران جماعت شیعه باذان و اقامت سوال معتکف را برای کدام چیز
از مسجد بیرون آمدن شاید جواب برای حاجت انسانی و نماز
جمعه کذا فی الهدایه سوال اگر معتکف در مسجد بیع و شرا کند چگونه باشد
جواب باکی نباشد و کالا در مسجد حاضر نکند سوال در باب سخن گفتن
خوف
و ناگفتن در حق معتکف علما چه فرموده اند جواب سخن گفتن مکروه
است و سخن مستحسن جایز بود کذا فی الذخیره انتهی

تمت کتاب
میراث الاسلام
ملک صالح
احمد

دستنگاہ
او سکنی کے جگا ہے بالا
رید اللہ ری صحبت د
یات سم صحبت را فا بند

هو

بسم الله الرحمن الرحيم

جامعة الرياض
المكتبة المركزية - قسم المخطوطات

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين وصلوة و
سلام على رسوله محمد واله واصحابه اجمعين
بدانكه اسعدك الله تعالى في الدارين كه اين رساله را
از كتب معتبره انتخاب كرده چنانچه قنيه و منيه و صغير خاني و كبيري
و ناصري و شهابي و مسعود خاني و خزانة الروايه و فقه محمديه جمع
نموده فقه دستور المبتدي المسلمين نام نهاده شد كه فرايض اسلام
يعني بناي مسلماني بر همه مسلمانان از مردان و زنان دانستن
آن فرض است چنانچه در حديث آمده است قال عليه السلام

طلب

طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة يعني طلب كردن
علم فرض است بر همه مردان مسلمانان و زنان و آن بر پنج چيز است
يكي كلمه شهادت گفتن لا اله الا الله محمد رسول الله
و باور داشتن معني آن كلمه بدل دوم پنجوقت نماز گذاردن چنانكه
الله تعالى فرموده است واقيموا الصلوة يعني قايم كنيد نماز را چنانچه در
باب نماز بسيار حديث آمده است قال عليه السلام من ترك الصلوة
ثلاث اوقات فهو لامات لا يغسل ولا يكفن و
لا يدفن في قبور المسلمين جاء في الحديث هكذا
يعني شخصيكه ترك كرد نماز سه وقت پس او بميرد غسل ندهند او را و نه
كفن دهند او را و دفن نكنند او را در قبور مسلمانان آمده در حديث
اين چنان قال عليه السلام الصلوة عماد الدين فمن اقامها
فقد اقام الدين ومن تركها فقد هدم الدين يعني

نماز ستون دین است وهر که آنرا ترک کند بیقین بدرستیکه بشکست
دین خود را و نیز در حدیث آمده است که حشر او که ترک کننده نماز است
با فرعون و هامان و قارون و عدی ابن مطعم باشد و بعوث
و نشور و دخول دوزخ بایشان بود و نیز فرق در میان کافران
و مومنان نماز است کما قال علیه السلام لیس الفرق بین
المسلم والکافر الا بالصلوة یعنی نیست فرق در میان
مومن و کافر مگر نماز قال علیه السلام صلوا خمسکم و زکوا اموالکم و
صوموا شهرکم و حجوا بیت ربکم تدخلوا الجنة
بالاحسان گفت علیه السلام بگذارید نماز پنجوقت و زکوة دهید
مال خود را و روزه دارید ماه رمضان را و حج کنید خانه رب خود
پس داخل شوید در جنت بغیر از حساب قال علیه السلام ازینت الناس
باللباس یعنی زینت عالم لباس است یعنی بهترین لباس نماز است

مومن را سیوم روزه ماه مبارک رمضان داشتند اما چهارم
زکوة مال دادن از دویست درم پنج درم دادن چون سال تمام
بر مال باشد و بر ذمه خود قرض کسی نداشته باشد پنجم حج خانه کعبه
بجا آوردن کسی را که خرج رفتن و آمدن خود و اهل و عیال خود باشد
و همچنین صفت ایمان دانستن فرض است و آن بر هفت چیز است
اول ایمان آوردن بخدا تعالی که او یکیست بخز او دیگر نیست
خالق و رازق همه عالم اوست دوم ایمان آوردن بجمله فرشتگان
وی که همه بندگان خدا تعالی اند و پیوسته در فرمان برداری
او مشغول اند و در آن مقرب تر از همه فرشته اند و رسول اند یکی
مهتر جبرئیل علیه السلام که بر پیغمبران علیهم السلام وحی آوردی
و بیاری دادن لشکر مسلمانان نام زد شدی دویم فرشته
مهتر میکائیل علیه السلام که او نام زد است بر فرستادن باران

وروزی رسانیدن خلق هر سال تعین است سیوم
مهتر اسرافیل علیه السلام که او نام زدست برای دمیدن
صور در دهن گرفته منتظر فرمان است چون صور بدمد
همه زندگان عالم بمیرند چهارم مهتر عزرائیل علیه السلام که
او نام زدست برای قبض کردن جانهای آدمیان و جن
و پریان و همه حیوانات را سیوم ایمان آوردن بجمله کتابهای وی
که خدا تعالی بر بعضی پیغمبران علیهم السلام فرستاده است
و مشهور چهار کتاب اند یکی توریت که بر مهتر موسی
علیه السلام نازل شده بود دوم انجیل که بر مهتر عیسی علیه السلام
نازل شده بود سیوم زبور که بر مهتر داؤد علیه السلام نازل
شده بود چهارم فرقان که بر محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم
نازل شده چهارم ایمان آوردن بجمله پیغمبران وی چنانچه اول

از

از ایشان مهتر آدم و آخر از ایشان محمد رسول الله صلی الله علیه
وسلم اند پنجم ایمان آوردن بروز قیامت که آمدن است
و در آمدن او هیچ شکی و شبهی نیست ششم ایمان آوردن
که بر تقدیر نیکی و بدی که همه از خدا تعالی است آما از نیکی خدا تعالی
راضی است و از بدی راضی نیست هفتم ایمان آوردن که بر خواستن
پس از مرگ حق است و همچنین چهار رکن پیغمبری ما دانستن
فرض است یعنی محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم ابن عبد الله
ابن عبد المطلب ابن عبد الهاشم ابن عبد المناف و همچنین چهار
مذهب دانستن فرض است یکی مذهب امام اعظم رحمة الله دوم
مذهب امام شافعی رحمة الله سیوم مذهب امام مالک رحمة الله چهارم
مذهب امام احمد حنبل رحمة الله علیه بدانکه در وضو چهار چیز فرض
یکی روی شستن از رستنگاه موی پیشانی تا زیر زنخ از زمه

از نرمه گوش تا نرمه گوش دیگر دوم هر دو دست شستن تا دو
آرنج سیوم ربعه سر مسح کشیدن چهارم هر دو پای شستن تا شتالنگ
پنجم کسی را که ریش انبوه باشد ربع ریش مسح کردن او را فرض است
بدانکه سنت در وضو سیزده چیز است یکی دو دست شستن تا بند
دست دوم تسمیه العظیم والحمد لله علی دین الاسلام الاسلام حق
والکفر باطل گفتن سیوم آب در دهن کردن یعنی خیشانیدن چهارم
مسواک کردن پنجم آب در بینی کردن یعنی پاک کردن بینی بدست
چپ ششم خلال ریش کردن بعد از سه بار شستن روی هفتم خلال
انگشتان دست و پای کردن هشتم هر عضو را سه کان بار شستن نهم
نیت بدین طریق کردن لنویت ان لوضاء لرفع الحدث
واستباحت الصلوة فرض الله تعالی دهم تمام مسح کردن
یازدهم مسح هر دو گوش با آب سر کردن دوازدهم ترتیب در وضو

نگاهداشتن یعنی اول روی شستن بعده دو دست بعده مسح سر بعده
دو پای سیزدهم ترتیب شستن بدانکه مستحبات در وضو شش چیز است
یکی ابتدا از جانب راست شروع کردن دوم مسح کردن کشیدن
سیوم پیش از وقت ساختن نماز کردن چهارم بوقت وضو سر بر نهنج
کردن پنجم روی سوی قبله آوردن ششم در نشستن بر هر عضوی
کلمه شهادت گفتن بدانکه مکروهات در وضو نه چیز است اول بوقت
وضو سخن دنیاوی گفتن دویم آب بسیار ریختن سیوم آب بر
روی سخت زدن چهارم آب در آوند مس گرم از آفتاب برائے
وضو و غسل کردن پنجم بوقت شستن روی چشم پوشیدن
ششم از آوند زر و نقره وضو کردن مگر عورت را زیور روا
باشد هفتم از سه بار زیاده شستن هشتم در جای بول استنجا
کردن نهم در جائے استنجا وضو کردن بدانکه شکننده وضو

بیست چیز است از انجمله پنج از راه گذر پیش است یکی بول دوم مذی
سیوم وذی چهارم سنگ ریزه که بعضی مردان را باشد پنجم خون
استحاضه که بعضی زنان را باشد و پنج از راه گذر پس است یکی بول
باد دویم غایط سیوم کرم چهارم بیرون آمدن آب از مقعد پنجم
زرداب و آنچه غیر از دو راه است یکی قی پریدن پری دمن
خواه طعام خواه آب خواه خون دوم خون روان سیوم ریم روان
چهارم زرد آب روان پنجم خواب تکیه زده یا باد دراز کشیده
ششم قهقه بالغ در حال نماز که غیر جنازه بلند بخندد هفتم بیهوشی
هشتم مستی و حد مستی آنست که در رفتار و گفتار او تفاوت
باشد نهم آب منی که بیرون آید بغیر شهوت
و جستن دهم مباشرت فاحشه یعنی نفس در نفس زن رسد
بی دخول و بی انزال وضو بشکند بدانکه موجب غسل چهار چیز است

یکی

یکی جنابت یعنی بیرون آمدن منی با دفق شهوت در حال بیداری
و یا در خواب که آن را احتلام گویند دوم غایب شدن سر ذکر در پیش
و یا در پس سیوم پاک شدن زن از حیض چهارم بعد از پاک شدن
از نفاس بدانکه در غسل سه چیز فرض است یکی آب در دهن
کردن دوم آب در بینی کردن سیوم تمام اندام شستن بدانکه
در غسل پنج چیز است اول دو دست شستن تا بند دست دوم
اندام نهانی شستن سیوم نجاستی که بر تن رسیده باشد آن
را دور کردن چهارم وضو کردن چنانچه وضو برای نماز میکنند
پنجم سه گمان بار آب بر سر ریختن یعنی اول بر کتف راست
بعد بر کتف چپ بعد بر همه اندام یکبار بدانکه آب بر پنج نوع
است یکی آب مطلق چنانچه آب باران و آب دریا و آب جوی
ازین آب وضو و غسل روا است و همچنین آب بسته که مقدار

ده درده باشد از کر شرعی و آن کر شرعی بیست و چهار انگشت
است بشمار حروف کلمه طیب و کلمه طیب بیست و چهار حرف است
یعنی از ان آب نیز وضو و غسل روا است مادامیکه هر سه صفت
آن آب بر نگردد چنانچه رنگ و بوی و لذت آب بر قرار است
و اگر ازین او صاف ثلثه یکی بگردد هم وضو و غسل روا باشد
و اگر دو صفت بگردد از ان آب وضو و غسل روا نیست
دوم آب مقید و ان آب چنانچه از درخت و یا لذ میوه
بیرون اردند از ان آب نجاستی که بر تن و بر جامه و غیره رسیده
باشد شستن روا است بشرطیکه مسکل نباشد و لیکن وضو
و غسل روا نیست سیوم آب مکروه و آن چنانچه پس خورده
گربه و ماکیان کوچه گرد و موش و مانند ان اگر آب دیگر ندارد
ازین آب وضو غسل روا باشد اما پس خورده سگ

و خوک

و خوک و جمیع درندگان پلید است چهارم آب مستعمل و آن چنانچه
ابیکه از وضو کنند بجهت رفع حدث و یا برای تقرب یعنی
وضو بر وضو کنند و انچه از اندام فرود آید آن آب مستعمل
پاک است تا اگر جامه پاک ازو تر شود احتیاج شستن نیست
اما وضو غسل و نجاست شستن روا نیست پنجم آب
مشکوک و آن آب پس خورده خر و استر است اگر بغیر این
آب آب دیگر نیابد هم وضو سازد و هم تیمم کند بدانکه
تیمم کردن بیمار روا است بعذر سرما که ترسد از استعمال
کردن آب که بیماری او زیم خواهد شد و یا مسافر باشد و میان
آب او و میان آب مقدار یک کروه راه فرق باشد و آن شش
هزار گز است بگز عامه که بیست و چهار انگشت است کوافی
الجرالرایق وغیره و یا نزدیک آب دشمن و یا درنده باشد

واب نیابد درین صورت تا اگر تیمم کردن نماز بگذارد روا باشد در تیمم
سه چیز فرض است یکی بدین نیت طریق کردن نویت ان
اتیمم لرفع الحدث ولاستباحت الصلوة
دوم دو دست زدن بر خاک پاک برای مالیدن روی
سیوم دو دست زدن بر خاک پاک برای مالیدن دو دست
تا ارنج و در شرح وقایه و شکننده تیمم دو چیز است یکی انچه شکننده
وضوست دوم قادر شدن بر استعمال اب اگرچه در نماز باشد
تیمم او بشکند اگر کسی اب ندارد و جنب است تیمم کرده نماز
گذارد روا باشد و اگر کسی را اب موجود است مقدار یکه وضو تمام
بامداد
نمیشود هم تیمم کند بدانکه وقت نماز از دمیدن صبح صادق
است تا طلوع افتاب و صبح صادق آن را گویند که جانب
مشرق سفیدی پیدا شده باشد و پهن شدن گیرد و وقت

نماز

نماز پیشین از برگشتن آفتاب است تا دو چند شدن سایه هر
چیز بغیر سایه اصلی و سایه اصلی آن را گویند که یکی سایه در و
منتهی شود بعده زیاده شدن گیرد و وقت نماز عصر از دو چند
شدن سایه است تا غروب شدن آفتاب و وقت نماز
مغرب از غروب شدن آفتاب است تا غروب شدن شفق است
و شفق آن سفیدی است که بعد از سرخی در کناره آسمان جانب مغرب
پیدا شود و وقت نماز عشا از غروب شدن شفق است تا طلوع
صبح صادق اما بعد از نیم شب نماز عشا گذاردن مکروه است و
تقدیم وتر بر نماز عشا روا نیست بدانکه هفده رکعت نماز فرض است
چنانچه شیخ شرف الدین بخاری رح در نظم خود آورده است بیت
انچه فرض است در شبان روزی ؛ هفده رکعت بود که آموزی ؛
دو بصبح و چهار پیشین است ؛ چهار در وقت عصر تعیین است

سه بامداد و چهار در خفتن ٭ زین نکوتر نمیتوان گفتن ٭

وتر از واجبات میدارند برهمه واجب است که بگذارند علما گفته

اند بی شبهت ٭ هست سنت دوازده رکعت ٭ شش به

پیشین کذلک دو بسحر ٭ دو پس از شام و دو بخفتن در ٭

بدانکه بانگ نماز برای پنج نماز و نماز جمعه سنت موکده است بغیر

الحان و ترجیع یعنی اول بار کلمه شهادت آهسته گفتن و دوم

بار بلند گفتن و مکروه است بانگ نماز گفتن جنب و اگر

پیش از آمدن وقت نماز گفته باشد باز بگوید و نیز مکروه است

بانگ نماز گفتن زن و فاسق و نشسته و مست و نیز

مکروه است تکبیر گفتن بی وضو بدانکه فرایض نماز سیزده چیز است

از انجمله شش چیز بیرون نماز است که آن را احکام و شرایط

نماز گویند اول تن پاک کردن از حدث و نجاست و

جنابت دوم جامه پاک سیوم جای پاک چهارم ستر عورت

پوشیدن و آن از ناف تا زیر زانو است مردان را و زنان حره را

از سر تا قدم مگر دو کف دست و روی و دو قدم نپوشد پنجم

نیت هر کدام نماز کردن بدل فرض است و بزبان گفتن مستحب

است ششم روی جانب قبله آوردن و هفت چیز درون

نماز است که آن را ارکان نماز گویند یکی تکبیر اولی گفتن دوم

استادن در نماز سیوم قران خواندن مقدار سه آیت کوته

و یا یک آیت دراز چنانچه آیت الکرسی چهارم رکوع کردن

پنجم سجود کردن ششم قعده آخر مقدار تشهد نشستن هفتم

بیرون آمدن از نماز بفعل مصلی بدانکه واجبات نماز

چهارده چیز است اول فاتحه خواندن دوم ضم کردن سوره با فاتحه سیوم

تعیین کردن قرات در دو رکعت اول نماز فرض چهارم مقدم

خواندن فاتحه بر سوره پنجم تعدیل ارکان نکهداشتن یعنی در رکوع و سجود
مقداری توقف کردن که سه بار تسبیح تواند گفت ششم دو سجده یکجا
کردن هفتم در جائی ایستاده خواندن هشتم در جای بلند خواندن نهم در
قعده اولی نشستن مقدار خواندن تشهد دهم تشهد خواندن تا عبده
در سه در هر دو قعده یازدهم دعا قنوت در نماز وتر خواندن در رکعت
سیم بعد از تکبیر پیش از رکوع کردن دوازدهم بلفظ سلام بیرون
آمدن سیزدهم تکبیرات نماز عید این گفتن چهاردهم موافقت
با امام کردن در هر محلی که برسد بدانکه سجده سهو واجب است اول از
تاخیر کردن فرض دوم از تکرار فرض سیوم تقدیم فرض چهارم
ترک کردن واجبی از واجبات نماز پنجم تکرار واجب ششم تاخیر
واجب هفتم تغییر کردن واجب از محل خود اگر ازین چیزها یکی
سهو واقع شود دو سجده واجب است بر امام و تنها گزارنده

اما تاخیر فرض انکه در قعده اولی نشسته بر تشهد درود نخوانده نشیند
یا موافق سه تسبیح خاموش ننشیند یا در قعده آخره نه نشسته
استاده شود و باز به نشیند و یا رکوع و سجود نکرده باز کند تکرار فرض
انکه پیش از قرات الحمد در یک رکعت دو رکوع کرد و یا دو سجده کرد و تقدیم
فرض انکه پیش از قرات رکوع یا پیش از رکوع سجده کند و
تغییر واجب انکه بجای تشهد فاتحه بخواند و یا بجای فاتحه سوره دیگر
بخواند و ترک واجب انکه ضم سوره با فاتحه نکند و یا برای قعده
اولی نه نشیند تکرار واجب انکه دو بار سوره فاتحه بخواند یا تشهد
را مکرر خواند و اگر سهو از امام شده باشد بر مقتدی نیز لازم آید
و سهو کردن مقتدی نه بر امام و نه بر مقتدی سجود سهو واجب
نشود طریق سجده سهو بجا آوردن چون بقعده آخره به نشیند و تشهد
بخواند و یک جانب راست سلام دهد بعده دو سجده بکند

و باز تشهد با درود بخواند بعد ازان بهر دو جانب سلام دهد
و منفرد بهر دو جانب سلام داده دو سجده کرده بجمیع تمام تشهد
خوانده بعد سلام دهد بدانکه سنت در نماز سی و دو چیز است
ازان جمله هشت چیز در قیام سنت اول دو دست برداشتن
برای تحریمه یعنی تکبیر اولی اگر امام باشد هر له امام تکبیر تحریمه کند
دوم هر دو دست زیر ناف بستن سیوم دست راست
بر دست چپ داشتن چهارم در جای سجده دیده پنجم
ثنا یعنی سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک
اسمک و تعالی جدک و لا اله غیرک خواندن
ششم تعوذ گفتن هفتم تسمیه خواندن هشتم آمین گفتن مر
امام و مقتدی و منفرد آهسته و هشت در رکوع است اول
تکبیر گفتن دوم هر دو زانو بدستها گرفتن سیوم سر را برابر سرین

داشتن

داشتن چهارم سه بار سبحان ربی العظیم گفتن پنجم سوی
قدم های خود دیدن ششم چشم گشاده داشتن هفتم بقیام
رفتن هشتم سمع الله لمن حمده گفتن امام را و مقتدیان
ربنا لک الحمد گویند و تنها گذارنده هر دو بگوید و
هشت چیز در سجود است اول تکبیر گفتن دوم به هفت عضو یا سجود
کردن چنانچه سر و دو کف دست و دو زانو و دو پای سیوم اول
زانو بزمین نهادن بعد دو دست بعد بینی بعده پیشانی
و وقت برخواستن برعکس این برداشتن
یعنی اول پیشانی بعد بینی بعد هر دو دست بعد زانو
برداشتن چهارم سوی بینی دیدن پنجم سه بار سبحان
ربی الاعلی گفتن ششم چشم گشاده داشتن
هفتم سر انگشتان دو دست و دو پای سوی قبله کردن

هشتم نشستن میان دو سجود و هشت چیز در قعدهٔ است

اول تکبیر گفتن دوم پای چپ بستردن و بر آن نشستن و پای

راست استادن کردن انگشتان سیوم دستها بر ران نهادن

چهارم روی انگشتان سوی قبله آوردن پنجم سوی کنار دیدن

ششم درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتن هفتم سوی راست

و چپ سلام دادن هشتم بوقت سلام جانب کتف دیدن

بدانکه مستحبات در نماز سیزده چیز است اول بوقت تکبیر

اولی دستها از آستین بیرون کشیدن دوم کف دستها

سوی قبله آوردن سیوم انگشتان کشاده داشتن چهارم

فرا انگشت بنزدیک گوش رسانیدن پنجم بوقت تکبیر

سر انداختن نگون کردن ششم میان دو قدم مقداری چهار انگشت

فرق کردن هفتم بوقت فاتحه لب زیرین بدندان

گرفتن و یا به پشت دست چپ دهن پوشیدن هشتم تا تواند

سر فرو نیفکندن نهم در سجده دستها برابر گوش نهادن

دهم بوقت گرفتن زانوها در رکوع انگشتان کشاده داشتن

یازدهم سجده چنان کردن که همه زور بر پیشانی و بر کف دستها آید

دوازدهم هر ذکری که در رکن سنت است هم در آن رکن تمام کردن

سیزدهم در حالهٔ سلام نیت امام و جماعت و ملایک کردن

بدانکه مکروهات در نماز شصت و پنج چیز است از انجمله شش

چیز در تحریمه ست اول بوقت تکبیر اولی دستها درون آستین

داشتن دوم بالاتر از گوشها دست برآوردن سیوم

برابر کتف دستها برداشتن مگر زنان را روا باشد چهارم

انگشتان پیوسته داشتن پنجم دستها بر نیاوردن ششم

الف استفهام بر کلمهٔ الله گفتن و در قیام یازده چیز است

اول میان قدم زیاده ازده انگشت و یا کم از چهار انگشت فرق
گذاشتن دوم دستها بالای ناف بستن سیوم دست
چپ بالای دست راست داشتن چهارم دست لقمان
گذاشتن پنجم راست و چپ جنبیدن ششم باریک
پاداون هفتم قدم بر قدم نهادن هشتم بر سر انگشتان
استادن نهم بر یکپای استادن دهم آرنج بر کمر داشتن
یازدهم دست بر پشت بستن یکروایت در قرات دوازده چیز
ست اول از فرو سوی بالا خواندن یعنی سوره آخر را در
رکعت اول خواندن و سورت اول را در رکعت دوم
خواندن دوم سخت تعجیل خواندن سیوم سخت آهسته خواندن
چنانچه یکان یکان حرف چهارم یک سوره در میان گذاشتن
پنجم از سوره خورد تا تمام خواندن ششم بسیار خواندن قرات

چنانچه جماعت بتنگ آید هفتم آیت ها و تسبیحات با انگشت شمردن
هشتم کم از سه آیین خواندن نهم تنها و تعوذ و تسمیه و آمین نگفتن دهم
لغت خواندن یازدهم دو سورت پی نوافل در یک رکعت خواندن دوازدهم
یک آیت دو بار خواندن و در رکوع نیز دوازده چیز است اول تکبیر
ناگفتن دوم دستها بالاتر از زانو داشتن سیوم انگشتان فراخ
ناکردن چهارم سر بالا کردن یا نگون کردن پنجم کم از سه بار تسبیح گفتن
ششم چشم پوشیدن هفتم سوی قدم ننادیدن هشتم برای قومه
راست نا استادن نهم سمع الله لمن حمده ناگفتن دهم در
فرض زیاده از هفت بار تسبیح گفتن یازدهم از امام پیش سر
برآوردن دوازدهم بوقت رفتن سوی سجده جاما از زانو
بالا کشیدن و در سجده دوازده چیز است اول تکبیر ناگفتن دوم
بوقت سجده یکپای از زمین برداشتن سیوم چشم پوشیدن

چهارم سوی بینی نادیدن پنجم دستها مقابل زانو نانهادن ششم
کم گفتن تسبیح از سه بار هفتم سر از انگشتان سوی قبله ناکردن
هشتم شکم بر رانها داشتن نهم نعلینها پیچانیدن دهم دو آرنج
بر رانها داشتن یازدهم بازوها بر زمین گستردن دوازدهم جلسه
راست نه نشستن مکروهات در قعده نیز دوازده چیز است
اول هر دو پای گستردن برای نشستن دوم هر دو پای یک
جانب کشیدن مردان را و زنان را مکروه است سیوم مربع
نشستن چهارم بمثل سگ نشستن پنجم سوی کنار نادیدن ششم
پیش از امام سلام گفتن هفتم پشت پای پاک کردن اگر تشویش
نباشد هشتم بعد از التحیات از ادعیه غایت بسیار خواندن
که جماعت بتنگ آید نهم بوقت سلام کتف نادیدن دهم چون
دستها بر رانها دارد از انگشتان کشاده ناکردن یازدهم

انگشتان بر زانوها تلقان کردن دوازدهم سر غایت نگون کردن
بد انکه مبطلات در نماز هشت چیز است یکی دیدن بدنبا له
چشم بغیر گردانیدن روی دوم برابر کردن جای سجده یک بار
یا دو بار برای غدر سیوم کشتن مار هر نوعیکه باشد غیر معین دو
ضربت تا سه ضرب زند قتل حیه وعقرب در نماز مکروهست
اگر عمل قلیل باشد و اگر حاجت عمل کثیر شود نماز از سر گیرد
و آن عمل نیز مباح گفته و قتیکه پیش بگذرند و خوف نباشد والا
نه مکروهست ذکره فی النهایه چهارم دنیا ربا درم در دست
داشتن که منع نکند قرات را پنجم دنیا ربا درم در دست داشتن
که منع نکند دست بستن را ششم خواندن ایت های آخر در
نماز نفل اگرچه بغیر غدر باشد هفتم دیدن امام در حالة شک سوی
مقتدی خود بد انکه مکروهات در نماز دوازده چیز است یکی بلند خواندن

تسمیه یعنی بسم الله الرحمن الرحیم و آمین دوم دیدن راست و چپ
بگردانیدن بعضی روی سیوم نگاه کردن سوی آسمان چهارم
تکیه کردن بستون و یا بدیوار و مانند آن در نماز فرض پنجم بردا
هر دو دست را غیر جای ششم برداشتن انگشتان پای در رکوع
و سجود هفتم با جامه خود و با تن خود بازی کردن مکرر هشتم اشارت
کردن با انگشت شهادت در التحیات نزدیک ما اشهد ان
لا اله الا الله نهم اکتفا کردن سلام بر یک جانب راست یا چپ
دهم دعا قنوت در غیر وتر خواندن یازدهم زیادتی در تکبیرات
یا در ثنا یا در تسبیحات یعنی هر قدر که آمده است از فرموده
کردن دوازدهم ترک کردن واجبی از واجبات نماز که گذاشته
اند بدانکه شکننده نماز پانزده چیز است یکی سخن گفتن دانسته
یا بفراموشی دوم حدث کردن دانسته یا بفراموشی سیوم چیز

خوردن

خوردن چهارم اشامیدن پنجم از درد نالیدن ششم گریه
کردن از درد و یا از مصیبت که نه از ذکر بهشت و نه از دوزخ
باشد هفتم آه و یا واه کردن هشتم جواب عطسه یار حمک الله
دادن نهم در یک رکن سه بار خاریدن دهم خندیدن
اگر خود بشنود یازدهم ترک کردن فریضه از فرایض نماز
دوازدهم قران دیده خواندن سیزدهم بزور سر فهیدن
برای خوش الحان چهاردهم سلام کردن و جواب سلام دادن
پانزدهم فتح کردن قرات بغیر امام خود را بدانکه روزه داشتن
فرض است بر مسلمانان از مردان و زنان که عاقل و بالغ باشند
و پاک باشند بحیض و نفاس و در روزه سه ۳ فرض است
یکی نیت کردن برای هر روزه دوم باز ماندن از خوردن
و اشامیدن سیوم باز ماندن از جماع از صبح صادق تا غروب

۲۸

آفتاب وروزه بردو نوع است یکی عین وآن روزه ماه
مبارک رمضان است وروزه نفل وروزه نذر معین
وغیر معین دوم روزه دین وآن روزه قضای ماه رمضان
است واگر روزه دار بفراموش چیزی خورد و یا بیاشامید
و با اهلی وطی کند روزهٔ او نشکند واگر این افعال
بقصد کرده باشد قضا و کفارت لازم آید و کفارت
روزه آنست که یک بنده آزاد کند اگر میسر ندارد دو
ماه پیاپی روزه دارد که دران ماه رمضان و پنج روزه که حرام
است نباشد و آن دو روزه عیدین و ۳ روزه ایام
تشریق است یعنی یازدهم و دوازدهم وسیزدهم ذالحجه
واگر در مدت دو ماه روزه را بقصد فاسد کند باید که
باز از سر گیرد زیرا که پیاپی در روزه کفارت داشتن

از این
فرض است واگر نیز عاجز باشد شصت مسکین را دو وقت طعام
دهد در بیان نماز جمعه و ترتیب نماز جمعه گفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
نمی آید بر میت هیچ چیز سخت تر از شب اول پس کنید بر قوتهای
خود چیزی از صدقه پس اگر نیابید چیزی برای صدقه پس نماز
خوانید دو رکعت و در هر رکعت بعد از فاتحه سورهٔ اخلاص یک بار
وآیت الکرسی یکبار و الهکم التکاثر ده بار بخوانند و
سلام دهید پس بگویید یارب بفرست ثواب این نماز را بسوی
قبر فلان یعنی نام آنکس بگیرد که به نیت آن خوانده است
در بیان مصافحه و ترتیب آن مسئله در شرف العلوم آورده
است مسلم را مصافحه کردن با ذمی مکروه است و در ترغیب
الصلوة آورده اگر مومن متوضی با ذمی مصافحه کند باید که
وضو باز کند و امراد ازین وضو شستن دست است

نه باز گردانیدن و ضو مسئله در ترغیب الصلوة آورده است مصافحه
کردن سنت است بلکه دستور و مستحب است مسلم با مسلم
مصافحه کردن بروز جمعه و عیدین و بهر وقت جایز است
از شرح منیر مسئله مصافحه و معانقه انکه مصافحه یعنی دست
بوسی بزرگان دین کردن چون خواهند که مصافحه کنند باید که
از کشاده روی و از ادب انگشتان خود را در انگشتان
وی آرد و درود بر رسول علیه السلام بفرستد اما در وقت
مصافحه دست را در جامه پیچیدن بدعت است بلکه مکروه
و بزرگان دین چنانچه علما و صلحا و شرفا و کلان سالان را
توقیر کنند و ایشان را در راه رفتن و سخن گفتن و نشستن
مقدم سازند و چون کسی مسلم از سفر باز آید با وی معانقه
کند یعنی هر دو دست را از میان بغل وی داده سینه را

جامعة الدول العربية
الأمانة العامة - قسم المخطوطات

بر سینه چسپاند و درود بخواند و قدمبوسی سوای مادر و پدر
جایز نیست مسئله مصافحه کردن بعد از نماز فجر و عصر و بعد از
نماز جمعه جایز است بلکه سنت است و با ذمی مصافحه کردن مکروه
در بیان امامت کردن مکروه و غیر مکروه و جایز و غیر جایز
مسئله در غرر المعانی آورده است امام شدن کر و کور و لنگ
و نابینا و لنگ هر دو دست بریده و با یک دست بریده
و امی و الثغ و تاتا و فافا و صاحب عذر جایز نباشد و
امامت ولد الزنا و فاسق و فاجر مکروه است و امام شدن
کودک نابالغ و زن نماز فاسد شود مسئله در معارف
آورده اند امامت سوقی مکروه است و در مجتبی میگوید مکروه
تحریمی است مسئله امامت قوم کمینه مکروه تحریمی است
کذا فی الفتاوی رحمانی مسئله امامت قوال و رقص کننده

جایز نباشد بلکه حرام است از فتاوی شهید مسئله در فتاوی
تهذیب و کفایت المومنین و در اساس الاسلام و در
هدایت مسلمین و در خلاصة فقه آورده اند امامت
فاسق و فاجر مکروه است بلکه جایز نیست پس آنها
اقتدا کردن و نماز بکراهیت مشعر چنانچه نعمت خوب و تر
خورده بران آب شور می نوشد از محیط امامت
کردن بی محاسن و ریش قطع کنند، جایز نباشد
بلکه مکروه تحریما باشد چنانچه درین باب بسیارند

حدیث وارد است قال علیه السلام من
حَلَقَ اللِّحیَةَ اَوْ قَطَعَهَا مِنْ قَبْضَةٍ سُوِّدَ
وَجْهُهُ یَوْمَ الْقِیمَةِ وَلَمْ یَنَلْهُ مِنَ الشَّفَاعَةِ

یعنی هر که تراشید ریش را و یا قطع کند ریش را کم از مشت
سیاه کردد روی او در روز قیامت و نه رسد
به شفاعت چنین است در اشرف العلوم مسئله
کسیکه ریش می تراشد و تراشنده هر دو در گناه کبیره داخل
اند الله تعالی بر و نظر رحمت نکند و نظر غضب میدارد و تراشیدن
ریش حرام است و کسیکه ریش را تراشید او را در روز
قیامت شفاعت نیست و در حدیث امده است
او در روز قیامت از سورت خنزیر برخیزد از اشرف
العلوم مسئله ریش شعار اسلام است و سنت رسول
علیه اسلام اگر کسی سنت را ترک کند در گناه کبیره
داخل شود و به شفاعت نرسد و لایق امامت
نیست اگر پس او اقتدا کند نماز مکروه تحریما باشد

مسئله اگر برای ضرورت ریش تراشیدن جایز است
و کهنه کار نشود مسئله اگر برای روزگار بی سبب ریش
را تراشید سخت گناه کار باشد و بروز قیامت
بصورت خنزیر برخیزد چنین است در زاهدی
مسئله امامت کاسب درست است اگر کسب حلال
کننده باشد پس آن اقتدا کردن بهتر و افضل است
و کسب بر چهار قسم است یکی کسب حلال دوم کسب
حرام سیوم کسب مباح چهارم کسب کمینه و
کسب حلال آنست کتابت کردن و تعلیم
بفرزندان دادن و زراعت کردن بذات خود
دوم کسب مباح سپاهی گری همراه سلطان عادل
و اسلام جایز است و نوکر شدن نزد بادشاه کفار

مکروه

مکروه است سیوم کسب حرام آنست چنانچه قوال و رقاص
بازی و اراک سازی و تیار ساختن اسباب
مزامیر برای خرید و فروخت کردن چنانچه سرود و ستار
و مردنگ و خنیره و دزدی و راه زنی و ربا خوری و
شراب خوری و چیزهای مسکر فروختن و قمار باختن
و قلاب بازی کردن و خنیر نر و مردار یعنی مرغ و گوسفند
مرده فروختن و از رقاصان اجرت گرفته در تصرف
آوردن اینهمه حرام است و امامت آنها کردن و پس آنها
اقتدا کردن مکروه تحریمی است و چهارم کسب کمینه
آنست از قبیل بازاری کیل و وزن کردن و در خرید
و فروخت کم و زیاده کردن و بوقت گرفتن خود
زیاده گیرند و بوقت فروختن کم کردن و در قیمت

کم وزیم نمودن و درجات را رفتن و دران روز خرید
و فروخت میکنند و در بدد همراه کافران گردیدن
مسئله در مقاصد آورده اند کسب کمینه آنست که
چند قوم بازاری اند چنانچه روستاییان و قصابان
و کازران و باغبانان و ترکاری فروشان و نجاران
و آهنگران و فیل بان و شتربان و بهلبان و حجامان
و عطاران و هر که در بازار دوکان میدارد و بیع و شرا
میکند این همه قوم کمینه اند و امامت اینها مکروه است
و در جواهب الرحمان میگوید مکروه تحریمی ست
مسئله در فواید الرحمان میگوید از عبادت های حق تعالی
بهترین عبادت نماز ست و بهترین نعمت از
نعمتهای حق تعالی آن نعمت خاص را ناچیز نباید کرد

و در فتح الاسلام آورده است آن نعمت خاص را ناچیز کردن
مکروه تحریمی است مسئله در منضومه آورده است امامت
کننده لایق و صاحب علم و داننده فقه و اشراف
و قرات خوان و حافظ باشد نماز پس آن جایز و افضل
است امامت روستاییان و سوقی و کسب کمینه کننده
مکروه است و همچنین است در فتاوی صدر الشهید مسئله
در نور الاحکام آورده است قوم سوقی یکجا جمع شدند برای
امامت کسی نیست مگر دران جماعت شخص علم فقه و از
احکام شرعی واقف است امامت آن شخص جایز است
و اقتدا پس آن جایز مسئله در فتاوی محمودی آورده
است جایز نیست امامت عنین و خنثی و همچنین مکروه است
فروشنده و امامت فاسقان و فاجران مکروه است

مسئله ویجوز الصلوة خلف کل بر وفاجر

جماعت در نماز از دست نباید داد و تقید با مام متقی و
متورع نباشد و بجهت آن فضیلت جماعت که بی شبهه
از سنن مؤکده موکده آن حضرت صلی الله علیه وسلم است
ترک نباید کرد آن قدر که آنحضرت بر تاکید در التزام
جماعت بود در جای دیگر نبود نعم اگر مردی صالح و متقی
برای امامت پیدا شود بتر و الا نه هر که باشد نماز بجماعت
باید گذارد هر چند که فاسق بود بشرطیکه فسق وی
منجر بکفر نگردد علم باحکام ولو بگمان نماز و قدر ما یجوز
به الصلوة از قرآن یاد داشته باشد این مسئله از تکمیل
از تکمیل الایمان است مسئله اولی بامامت دانسته تر

باحکام

باحکام شرعی بعده خوانده تر بقرات پرهیزکار تر
بعده پرکه احسن باشد از ضرر الملکلف مسئله امامت عبد
و روستای و فاسق و مبتدع امامت کردن باجرت مکروه
است مسئله امامت فاسق و فاجر درست نباشد چرا که
افضل نیست و فاسق و فاجر آنست که نماز پنجگانه نمیگذارد
در احادیث در باب تارک الصلوة آمده است کسیکه
تارک الصلوة از روی احادیث باشد پس چگونه امامت
او درست باشد همچنین است در مجتبی مسئله در احادیث
آمده است سه ۳ نماز جمعه پی در پی کسیکه عمداً ترک کرد اسم او بر دوخ
نوشته میشود فهو منافق پس امامت منافق چگونه
درست باشد چنین است در چهل حدیث

در بیان آداب اوستاد قال علیه السلام

الآباء ثلثة اب ولدك واب من زوجك
واب من علمك وخير الآباء من علمك

در فتاوی آورده واجب است بر متعلم حق استاد وآن
بر شش چیز است اول نام نخواند دوم بجای او
ننشیند سیوم پیش وی نخندد چهارم در وقت
سخن گفتن او از خود بر او از او بسیار بر نیارد پنجم
آنچه فرماید قبول کند ششم او را بمال وجان
خدمت کند چنین است در فتاوی نقشبندی مسئله
قال ابو حنیفه رحمه الله امراة اذا خرجت من
بیت زوج علی رضایه ولا یمنعها زوجها

وهو

وهو دیوث لا یجوز الصلوة خلفه ولا
یقبل الشهادة علیه الفتوی فی البرهانی

قال الله تعالی

وان کنتم جنبا فاطهروا یعنی هرگاه که جنب شوید
پس پاک شوید حدیث العلم علمان علم
لابدان وعلم الادیان یعنی علم دو علم
است یکی علم بدن و علم دوم دین است حدیث

سلامی علیکم وقلبی لدیکم
یعنی سلام ما بر شما و قلب ما نزد شما حدیث

مَن سَكَتَ سَلِمَ وَمَن سَلِمَ فَقَدْ نَجَى

یعنی هرکه ساکونت کرد سلامت ماند و هرکه سلامت ماند بس نجات

یافت

تمت تمام شد

King Saud University
جامعة الملك سعود
1957
Copyright © King Saud University